

اسلام و جهانی شدن، ترابط یا تباین

بررسی دینی پدیده جهانی شدن براساس رهیافت گفتمان

سید مهدی ساداتی نژاد^۱

استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

جواد علایی آورگانی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۲۰ - تاریخ تصویب: ۹۶/۸/۱۴)

چکیده

واژه جهانی شدن در دو دهه اخیر یکی از پرکاربردترین واژه‌های عرصه سیاستگذاری اقتصادی، فرهنگی و سیاسی داخلی و بین‌المللی کشورها و نیز موضوع بحث‌های دانشگاهی و ژورنالیستی بوده است. به‌رغم کاربرد گسترده واژه جهانی شدن در ادبیات سیاسی جهان معاصر، هنوز معنا و مفهوم آن مناقشه‌آمیز است و بسته به اینکه از چه زاویه و با چه نگرشی به آن نگریسته شود، معنا و مفهوم متفاوت پیدا خواهد کرد که ظهور واژه‌های مختلفی همچون «جهانی شدن»، «جهانی‌سازی»، «جهان‌گرایی»، «غربی شدن» و «آمریکایی شدن» در بسیاری از جوامع از جمله ایران بیانگر این امر است. در مورد ماهیت جهانی شدن رویکردهای متفاوتی وجود دارد. جهانی شدن به‌عنوان یک پروسه و جهانی شدن به‌عنوان پروژه دو نگرش رایج و متفاوت نسبت به این پدیده است. در این پژوهش با استفاده از مدل تحلیل گفتمان لاکلا و موفه دیدگاه اسلام نسبت به جهانی شدن بررسی می‌شود. براساس بررسی‌های دینی می‌توان به این مطلب اذعان کرد که در اسلام نیز به‌مانند گفتمان‌های دیگر، برداشت‌هایی وجود دارد که با جهانی شدن همساز است و حتی راه آینده را بر آن توصیه می‌کند. اگرچه جهانی شدن در برداشت اسلامی با پدیده جهانی شدن کنونی، هم در تعریف و هم در اهداف و روش‌ها، تفاوت‌های بنیادی دارد، می‌توان گفت جهانی شدن از دیدگاه اسلام دیدگاهی پروسه‌ای است و آن را از پیش تعیین‌شده نمی‌داند. این مقاله درصدد است با تأملی بر آیات قرآن و روایات رابطه اسلام با این مفهوم را تبیین کند.

واژگان کلیدی

اسلام، ترابط، تباین، جهانی شدن، دال، گفتمان.

مقدمه

در این مقاله نسبت مفهوم جهانی شدن در گفتمان اسلام بررسی می‌شود. اگرچه پیشینه واژه جهان^۱ در فرهنگ لغات سیاسی و اجتماعی به قرن‌های پیش بازمی‌گردد، تاریخ پیدایش واژه‌هایی چون جهانی شدن^۲ یا جهانی کردن^۳ بسیار متأخر و جدید است. به طوری که واژه جهانی شدن نخستین بار در ابتدای دهه شصت میلادی قرن بیستم پدید آمد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، پدیده جهانی شدن که تا پیش از این به‌عنوان روندی قابل تأمل مطرح بود، شتاب بیشتری گرفت و به تدریج جای خود را در میان پدیده‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باز کرد. جهانی شدن از مفهیمی است که تعریف یگانه‌ای از آن نمی‌توان ارائه داد، به طوری که در نوشته‌های گوناگون در زمینه‌های اقتصاد، سیاست و فرهنگ، تعریف‌های متعدد و گاه متضادی از این فرایند ارائه شده است. این تفاوت‌ها در تعریف جهانی شدن از چندوجهی بودن این پدیده ریشه می‌گیرد و جنبه‌های متعدد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جهانی شدن به تعاریف گوناگون انجامیده که هر کدام براساس رویکرد ویژه خود به تبیین این مفهوم می‌پردازند.

«جهانی شدن» فرایندی است که در پی برخی تحولات جهانی و پیشرفت‌های علمی و فنی در حوزه ارتباطات و رسانه‌ها و تسهیل و تشدید روابط و تعاملات بین ملت‌ها در زمینه‌های گوناگون، ظهور و بروز پیدا کرده است. این جریان به‌صورت فراگیر در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع بشری را درگیر مسائل مشترک و فراگیر و چالش‌های گوناگون کرده و انسان را با دنیای دگرگون‌شونده، سیال، گیج‌کننده، نفوذپذیر و غیرمتعین و ناآشنا و فاقد حدود مرز و کنترل‌نشده، و پیچیده مواجه ساخته است. از مهم‌ترین تأثیرات جهانی شدن، تأثیر بر وضعیت فرهنگ‌ها و ادیان است. از این رو، جهانی شدن برای جوامع اسلامی یکی از دغدغه‌های مهم و چالش‌برانگیز به‌شمار می‌رود (نکوئی سامانی، ۱۳۸۷: ۶۲).

این مسئله، که در عصر جهانی شدن، اسلام به‌منزله یک دین و فرهنگ جهانی، چه نوع مواجهه و رابطه‌ای می‌تواند با جهانی شدن کنونی داشته باشد، مسئله‌ای مهم و درخور توجه است که این مقاله می‌کوشد تا بدان بپردازد و این مسئله که جهانی بودن اسلام و در سال‌های اخیر، درباره جهانی شدن و تأثیرات و پیامدهای آن، از سوی پژوهشگران تحلیل‌ها و مباحث گسترده‌ای مطرح شده است. هر یک از اندیشمندان و نظریه‌پردازان کوشیده‌اند تا ابعاد گوناگون این پدیده نوظهور را بررسی و تحلیل کنند و تبیینی علمی از این موضوع مهم ارائه دهند. در این مقاله ابتدا به ارائه چارچوب نظری، سپس پیشینه مفهوم جهانی شدن، رابطه دین و جهانی

-
1. Global
 2. Globalization
 3. Globalizing

شدن، رابطه اسلام و جهانی شدن و در پایان جهانی شدن مدینه فاضله اسلامی و راهبردهای ارائه شده بررسی می شود.

چارچوب نظریه و روش تحقیق

در این مقاله از گفتمان لاکلا و موفه به عنوان چارچوب نظری و هم روش استفاده می شود. علت استفاده از این رهیافت در این نوشته از دو بعد مورد توجه است. از یک سو، از آنجا که مقاله در پی بررسی و تبیین «مفهوم» جهانی شدن است، از نظر روش شناسی رهیافت تحلیل گفتمان برای این بررسی مناسب و درخور است. از سوی دیگر، اسلام در قامت گفتمانی در کنار سایر گفتمانها در نظر گرفته شده که دارای مبانی و اصول و جهت گیری خاص نسبت به جهانی شدن است و در ادبیات تحقیق موجود در ایران کمتر کسی به بررسی جهانی شدن و اسلام از نگاه گفتمانی پرداخته است.

با توجه به اختلاف نظرهای جدی و گاه متناقض درباره جهانی شدن، به نظر می رسد جهانی شدن به مثابه وضعیت جدید منازعه گفتمانی دارای توان توضیح دهندگی بیشتری است و دیدگاه لاکلا و موفه نیز به این مقصود نزدیک تر است. از این رو الگوی تحلیل لاکلا و موفه چارچوب مناسبی است برای بررسی تحولات کلان و شناسایی فضای تخاصم و غیریت سازی بین گفتمانهای مختلف موجود در عرصه جامعه و جهان که به شکل گیری هویتها از جمله هویت اسلامی می انجامد.

پیشینه جهانی شدن و تعریف آن

بحث مربوط به تاریخ جهانی شدن، به دو بخش تقسیم می شود: ۱. تاریخ اصطلاح جهانی شدن؛ ۲. تاریخ گرایش و رویکرد به جهانی شدن.

۱. تاریخ اصطلاح جهانی شدن: قدمت این واژه به سالهای آخر دهه ۵۰ و سالهای اولیه دهه ۶۰ میلادی می رسد. در سال ۱۳۲۸ ش / ۱۹۵۹ م مجله اکونومیست از واژه سهمیه جهانی^۱ استفاده کرد. در سال ۱۳۴۰ ش / ۱۹۶۱ م فرهنگ «وبستر» نخستین فرهنگ معتبری بود که تعاریفی درباره دو اصطلاح جهانی کردن^۲ و جهانی شدن بیان کرد. یک سال بعد، نشریه Spectator مفهوم جهانی را گیج کننده وصف کرد.

۲. تاریخ رویکرد به جهانی شدن: رویکرد به مفهوم جهانی شدن، چه در نظریه، چه در عمل، پیشینه ای به قدمت بشر دارد، زیرا گرایش به جهانی شدن، نخست در ادیان الهی بروز

1. Globalized qoeta
2. Globalism

کرد، به گونه‌ای که ادیان بزرگ الهی، چون یهودیت، مسیحیت و اسلام، سودای جهانی‌سازی داشته‌اند، و هر یک از آنها، درصددند امت یگانه و حکومت واحد جهانی پدید آورند؛ البته در این میان، اسلام، برترین و کامل‌ترین شکل جهانی‌سازی دینی را مطرح کرده است (واترز، ۱۳۷۹: ۱۰).

در یک تعریف ساده می‌توان جهانی شدن را «حاصل گسترش روابط و تعاملات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی میان دولت‌ها و جوامع با یکدیگر دانست. واژه جهانی شدن و جهانی‌سازی برای توصیف مرحله بین‌المللی شدن ارتباطات چه از طریق وسایل ارتباط جمعی و چه از طریق مبادله و انواع پیام‌ها به‌کاررفته است» (فرهنگ علوم سیاسی، ۱۳۷۵: ۴۲۲).

رابطه دین و جهانی شدن

جهانی شدن، با مفهوم امروزی خود، محصول ظهور «صنعت جهانی ارتباطات» است. این صنعت نوع جدیدی از ارتباطات مجازی را به وجود آورده است که محصول ارتباطات همزمان است. رابطه جهانی شدن و دین با رویکردهای متفاوتی قابل مطالعه است. نسبت جهانی شدن با معارف الهی، جهانی شدن و تأثیرات آن بر هویت دینی، تعلق دینی، مراسم و مناسک دینی و ایمان مذهبی ابعاد مهمی است که در این خصوص می‌توان مطالعه کرد. از طرفی مباحث کلانی مثل رابطه جهان شدن و رهبری دینی، جهانی شدن و اقتدار دینی و همچنین تأثیرات جهانی شدن بر فضای مذهبی، از جنبه‌های دیگری است که در خصوص رابطه بین جهانی شدن و دین می‌تواند مطالعه شود (ادب، ۱۳۹۰: ۱۳-۱۲).

در دنیای امروز ادیان نیز به مانند تمامی نهادهای اجتماعی با گسیختگی فرهنگی مواجهند. این موضوع هنگامی مهم‌تر جلوه می‌کند که دریابیم، انتقال دین به نسل‌های جوان‌تر، همان فرایندی است که دین از آن طریق، خود را به مثابه دین در جریان زمان شکل می‌دهد؛ این همان چیزی است که موجب پویایی دین می‌شود و دین را برای انتقال خود در جریان زمان توانا می‌سازد. مسیرهای گوناگونی که مستلزم ابعاد متفاوت و ترکیب‌هایی از هویت‌یابی دینی در ابعاد جماعتی، اخلاقی، عاطفی و فرهنگی‌اند که در دنیای امروز ممکن است در تقابل با الگوهای سنتی آن قرار گیرند. بنابراین مسئله انتقال در کانون توجه جامعه‌شناسی دینی قرار می‌گیرد. در گذشته این انتقال با شکیلی و قاعده‌مند ساختن ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها صورت می‌گرفت، ولی اکنون ماهیت این انتقال از اساس دگرگون شده و هر جامعه‌ای اگر درصدد است تا انتقال را با بینش کافی و به‌عنوان انتخابی برای نسل جدید ارائه دهد، ناگزیر است که معیارهای جدید هویت‌یابی دینی را بشناسد و خود را با آن همراه سازد. چنین شرایطی تمامی

نهادهای پرورشی (خانه، مدرسه و مراکز آموزشی و دینی) را وادار می‌سازد تا رسالتشان را بازتعریف کنند (هروی، ۱۳۸۰: ۲۸۸-۲۸۷).

با این نوع نگاه می‌توان با توجه به جهانشمولی ادیان الهی به‌خصوص دین مبین اسلام و اینکه ادیان الهی در یک محدوده جغرافیایی خاص محصور نمی‌شوند، چنین برداشت کرد که جهانی شدن نه تنها خطری برای ادیان محسوب نمی‌شود، بلکه می‌توان آن را فرصتی برای ادیان دانست تا بتوانند به آرمان‌های جهانی خود دست یابند.

اما آن چیزی که می‌تواند چالش جدی برای دین باشد، ایده خاصی است که بر جهانی شدن مسلط شده است، در واقع غربی کردن یا آمریکایی کردن جهان است که منشأ خطر برای هویت‌های دینی محسوب می‌شود. امروزه توسعه سکولاریسم و نظام‌های سیاسی مبتنی بر آن ارزش‌های دینی را هم در حوزه‌های اجتماعی و هم در حوزه فردی مورد چالش قرار می‌دهند (افروغ، ۱۳۸۰: ۳۱۶).

اسلام و جهانی شدن

نکته مهم در ابتدای این بحث آن است که ما مدعی نیستیم پدیده‌های معاصر مانند جهانی شدن با همین بار معنایی و شبکه مفهومی آن در عصر حاضر، در متون اسلامی آمده است، بلکه معتقدیم که پدیده‌های فکری هر عصری مبانی معرفتی خاص خود را دارند که ناشی از جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌های حاکم بر آنهاست و بر این باوریم که اسلام مبادی فکری و نظری قوی و جامعی دارد که اگر به زبان روز استخراج و تبیین شود، می‌تواند چراغی فروزان فرا راه انسان معاصر باشد، البته کتب مقدس دیگر نیز مانند عهدین ادعای ارائه این مبادی را دارند، اما مقایسه مبانی فکری اسلام با دیگر ادیان مقدس برتری بی‌چون و چرای اسلام و قرآن را ثابت می‌کند (بوکای، ۱۳۶۴).

جهانی بودن دین گفتمان اسلام به‌عنوان رقیبی برای جهانی شدن غربی را می‌توان هم از طریق مطالعه محتوای آموزه‌ها و متن پیام‌های آسمانی این دین و تصریحاتی که در منابع اصیل اسلامی نسبت به جهانی بودن این دین و جهانی بودن نبوت و خاتمیت رسالت پیامبر شده است، مورد توجه قرار داد و هم با توجه به مبانی عقلانی و علمی و هماهنگی این دین با فطرت نوع بشر اثبات کرد.

اسلام به‌عنوان یک گفتمان در مقابل سایر گفتمان‌هایی که داعیه جهانی شدن دارند، بر جهانی بودن خود تأکید و اصرار دارد و با بیان اصول و وجوه جهانی بودن خود، محصور در چارچوب فضای محلی و منطقه‌ای نمی‌شود و داعیه مالک بودن برنامه‌ای جهانشمول برای

تمام انسان‌ها و ابعاد حیاتشان دارد. جهانشمول بودن اسلام یک حقیقت قطعی و بدیهی است که در بین مسلمانان هیچ شک و تردید و ابهام و اختلافی درباره آن وجود ندارد.

دال‌ها مرکزی جهانی شدن و اسلام

اگرچه در اسلام برداشت‌هایی وجود دارد که با جهانی شدن همساز و حتی راه آینده را بر آن توصیه می‌نماید با این وجود در برداشت اسلامی با پدیده جهانی شدن کنونی، تفاوت‌های بنیادی دارد، به گونه‌ای صریح می‌توان بیان داشت اساسی‌ترین محل نزاع دو گفتمان جهانی شدن و اسلام حول دال‌هایی چون، اقتصادی، سیاسی-اجتماعی، فرهنگ و حوزه اجتماعی، بعد علمی و فناوری ظهور و بروز می‌کند.

دال اقتصادی

یکی از ویژگی‌های برجسته جهانی شدن اقتصادی است که کشورهای قوی‌تر از قدرت اقتصادی پایدار برای نفوذ به اقتصاد کشورهای ضعیف‌تر برای کسب منافع بیشتر از حضور همه‌جانبه یا تأسیس شرکت‌های چندملیتی استفاده می‌کنند. مزایای مالی ناعادلانه‌ای از این طریق همچون دسترسی به بازار، فرصت برای سرمایه‌گذاری خصوصی، مواد خام، و دسترسی به نیروی کار ارزان را دنبال می‌کنند (Mazrui, 2002:12). در گفتمان اسلام برخلاف گفتمان جهانی شدن که بستر ساز سلطه کشورهای قدرتمند بر کشورهای ضعیف است، پیام‌آور عدالت و استفاده عادلانه همه انسان‌ها از مواهب الهی بر محور خداآوری و در جهت کرامت انسانی است. منابع و امکانات مادی را متعلق به یک قشر و گروه خاصی نمی‌داند و به دنبال توزیع عادلانه به جای سلطه است. هدف قرآن کریم، نظم اجتماعی مساوات‌طلب است که رفع عدم تعادل اقتصادی و نابرابری‌های اجتماعی در جامعه تجاری مکه را به شدت مورد تأکید قرار داد. قرآن کریم با انتقاد از نابرابری که تداوم تفرقه مهلک بشر است اهمیت بعد اقتصادی را از ابتدا مورد توجه قرار داده است (Yusuf, 2009:6).

دال فرهنگی

از بعد فرهنگی، جهانی شدن بیشتر ناظر بر فشردگی زمان و مکان و پیدایش شرایط جدید برای جامعه جهانی و جهانی شدن فرهنگ است. این بعد از جهانی شدن بر مشکلاتی تمرکز دارد که فرهنگ جهانی با بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی برای هویت ملی و محلی به وجود می‌آورد (البرو، ۱۳۸۱: ۱۳۸). جهانی شدن شرایط را برای گسترش و بسط فرهنگ و شیوه زیست غربی فراهم ساخته است که در جهان آستان نظاره‌گر سلطه خصایص زندگی غربی در سراسر جهان هستیم و فرهنگ‌های بومی غیرغربی به گونه‌ای فزاینده در حال محو شدن است. جهانی

شدن فرهنگی به زیرساخت‌های سازمانی و اقتصادی نیاز دارد. کشورهای پیشرفته با استفاده از اخبار و رسانه‌های سرگرمی دیگر مانند فیلم، تلویزیون و موسیقی پاپ و با توزیع آنها به سایر کشورها، چنین فرایندی را تسریع می‌کنند (Jan, 2009:5). مثلاً نظریه پردازانی مانند «گیدنز» و «رابرتسن» جهانی شدن را گسترش تجدد از جامعه (غربی) به جهان و گسترش ویژگی‌های محوری تجدد در مقیاس جهانی می‌دانند (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۱۰۱). اسلام به‌مثابه یک گفتمان در حوزه فرهنگی براساس موازین شرعی نازل شده از سوی شارع مقدس هیچ‌گاه در پی تحمیل و از بین بردن فرهنگ سایر اقوام نبوده است و بدون از بین بردن زیست فرهنگ اقوام بدان‌ها جهت الهی می‌دهد و همواره وجود تنوع و تکثر را نشانگان خدا می‌داند که انسان‌ها را در گروه‌ها و قبایل مختلف آفریده است (حجرات:۱۳).

دال اجتماعی - سیاسی

در این بعد از جهانی شدن پرسش از نقش دولت و حکومت در فرایند جهانی شدن است (کاظمی، ۱۳۷۵: ۶۴). گفتمان جهانی شدن گفتمان اسلامی و مجریان آن را عامل مهمی در زمینه توسعه و نوسازی در بلاد اسلامی می‌داند و بر نبود ظرفیت و توانمندی برنامه‌های گفتمان اسلامی برای توسعه و نوسازی تأکید می‌کند (العلوانی و طه جابر، ۱۳۸۰: ۲۱) برخلاف گفتمان جهانی شدن که صرفاً بر بعد مادی حیات آدمی تأکید می‌کند، گفتمان اسلام دو بعد مادی و اخروی را به هم پیوند می‌دهد؛ نقش حکومت و دولت را در راستای دو بعد مادی و معنوی تعریف می‌کند که چنین امری نتایج سیاسی - اجتماعی خاص خود را در پی دارد. اسلام برای همه موجودات و مخلوقات حقوقی را تعریف کرده است. عدالت اجتماعی از هیچ بخشی از جامعه حذف‌شدنی نیست (Yusuf, 2009:10)

دال علمی و فناوری

از این منظر جهانی شدن با انقلاب علمی و دانسته‌های جدید مرتبط است. جوهره اصلی تمدن و فرهنگ عصر جهانی شدن ترکیبی است از فناوری، نظام‌های ارتباطی جهانی، همراه با تولید، انتقال و پردازش اطلاعات. ماهیت، تولید، پردازش و انتقال اطلاعات به‌نحوی است که سریع‌تر از عناصر دیگر جهانی شدن ابعاد جهانی پیدا کرده است (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۴۳). در گفتمان جهانی شدن، انسان (به‌ویژه غربی) را به‌دلیل در اختیار داشتن ابزار و فناوری‌های جدید به‌عنوان حاکم بر جهان معرفی می‌کند که می‌تواند جهان را در جهت اهداف خود مورد تجاوز و دست‌اندازی قرار دهد. رشد اقتصادی ناشی از این تفکر به زیان محیط زیست (تخریب لایه ازن، گرم شدن کره زمین، حذف جنگل‌ها و...) منجر شده است؛ زیرا رشد اقتصادی به رشد درآمد و در نتیجه تقاضای کل منجر می‌شود و از این طریق، تولید در هر شرایط و پرداخت از منابع اولیه بدون

رعایت اصل جایگزینی را تشدید می‌کند. جهانی شدن می‌تواند موجب «رقابت به‌سوی پایین» شود، زیرا ممکن است دولت‌ها برای جلب سرمایه‌های خارجی، استانداردهای زیست‌محیطی خود را نادیده بگیرند یا پایین بیاورند (لوگرن، ۱۳۸۲: ۵۴). در گفتمان اسلام اگرچه از ابزار و فناوری جدید براءت جسته نمی‌شود و در جهت بسط خود از آن بهره می‌گیرد، این ابزار در جهت ارتقای حیات بشری با توجه به مسئولیتی که انسان در مقابل مخلوقات خداوند دارد به‌کار گرفته می‌شود و رابطه حاکم و محکوم انسان با طبیعت را نفی می‌کند.

ادله جهانی بودن گفتمان اسلام

اسلام فی‌الذاته یک دین جهانی و همگانی است و آیینی است که رسالت آن هدایت و نجات تمام انسان‌ها در همه عصرها و نسل‌هاست. جهانی بودن گفتمان اسلام را می‌توان با استناد به برخی از آیات قرآن کریم، روایات، سیره نبوی و استدلال‌ات عقلی که دال‌های مرکزی آن از این منابع ارتزاق می‌کنند، اثبات کرد:

الف) قرآن

۱. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» (نور: ۵۵).

در این آیه با صراحت به مؤمنان صالح بشارت داده شده است که سرانجام حکومت روی زمین را در دست خواهند گرفت، و دین اسلام فراگیر خواهد شد، و ناامنی‌ها و وحشت‌ها به آرامش و امنیت مبدل می‌شود و بندگان خدا با آزادی به پرستش خدای یگانه ادامه می‌دهند و دو هدف اساسی در نظام‌های سیاسی که آزادی و امنیت است، در سایه حکومت جهانی اسلام متحقق خواهد شد. این امر مطابق روایت متواتر در عصر قیام مهدی (ع) تحقق خواهد یافت (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۹: ۴۰۴).

۲. رسالت جهانی پیامبر اکرم (ص): «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا» (اعراف:

۱۵۸).

در این آیه که انسان‌ها را خطاب قرار داده، اشاره به کل آدمیان دارد و رسالت محمد (ص) را عام و جهانشمول معرفی کرده است و همه بیانات رسول خدا (ص) جهت دعوت همه مردم به دین اسلام است.

۳. قرآن برای همه انسان‌ها نازل شده است: «وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (قلم: ۵۲).

این آیه دال بر جهانی بودن قرآن است که ما را به آن رهبری می‌کند که اینکه کتاب از پروردگار جهانیان است، وحی الهی بندگان را برابر با یکدیگر می‌داند؛ مگر نه اینکه همگان را او آفریده است و اینکه کیفیتی است که از سرزمینی به سرزمین دیگر و از قومی به قوم دیگر

تغییر نمی‌پذیرد؟! به همین سبب پروردگار ما گفت: «إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» آن (قرآن) چیزی نیست جز یادآوری برای جهانیان» (مدرسی، ۱۳۷۷).

۴. ارزش نهادن به علم و دعوت به آن: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر:

۹).

خداوند در قرآن تأکید زیادی بر دانایی و علم کرده و آن را معیاری برای تمایز انسان‌ها قرار داده و همه انسان‌ها را به فراگیری علم و دانش دعوت و بر نابرابری دانا و غیر دانا تأکید فرموده است. از نگاه امام صادق (ع) دانشمندان وارثان پیامبران‌اند و هرکس بهره‌ای از دانش داشته باشد، بهره فراوانی از میراث پیامبران دارد (زفره‌ای اصفهانی، ۱۳۸۴).

۵. نگاه جامع و کامل به همه جنبه‌های جهان هستی و نیازهای بشری:

در قرآن هیچ جنبه از حیات آدمی مغفول واقع نشده است، مثلاً آیات: «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام: ۳۸)، «بَيِّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹)، به این موضوع اشاره دارد که تمام موضوعاتی که به تربیت و تکامل زندگی سالم دنیوی و سعادت‌بار اخروی مربوط می‌شود، در قرآن آورده شده و قرآن برای ساختن اجتماعی عادل، احکام قضایی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برنامه دارد. برخی نیز از آیه «بَيِّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» استدلال کردند که حتی علوم شیمی و فیزیک و علوم متفرقه نیز قابل استخراج از قرآن است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۳۹-۳۵).

۶. توجه به نیازهای معنوی بشر و ترسیم خطوط حیات معقول (معنویت، و اعتدال و عدالت): مانند این آیات کریمه «وَيَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (روم: ۷) و اعتدال نظیر آیه شریفه ۸ سوره مائده که می‌فرماید: «اغْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى». «وَتَوَأَّ قَوْمًا يَئُومُونَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ» (نساء: ۱۳۵).

اسلام گفتمان تک‌بعدی نیست که صرفاً یک حوزه از حیات آدمی را در نظر بگیرد، علاوه بر ابعاد مادی و جسمانی حیات آدمی، ابعاد معنوی و روحانی را که انسان در هیچ زمان و مکانی مستغنی از این ابعاد نبوده است نیز مورد توجه قرار می‌دهد. عدالت اجتماعی، تنها در سایه ایمان به خدا تحقق می‌یابد. عدالت، تنها یک ارزش اخلاقی نیست؛ فرمان حتمی الهی است. اسلام در اصلاح اجتماع اهتمامی ورزیده که هیچ نظام غیراسلامی به پای آن نمی‌رسد، عدالت به دو قسم منقسم می‌شود: عدالت فردی و عدالت اجتماعی، ولیکن ظاهر سیاق آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» این است که مراد از عدالت، عدالت اجتماعی است.

۷. تأکید بر برابری همه انسان‌ها و نفی تبعیض و برتری‌های نژادی - مادی و قومی و زبانی: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳).

در نگاه اسلام اگرچه آدمیان به قبایل و گروه‌های مختلف تقسیم شده‌اند، همه انسان‌ها برابرند و این دینی جهانی است و کلیه دستورها و نظام‌های اسلامی اعم از نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، خانواده، اخلاق و... برای همه انسان‌هایی که در خلقت برابر و مساویند، است.

۸. نفی ظلم و فساد در هر شکل و با هر انگیزه‌ای: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا»

(اعراف: ۵۶).

ظلم و فساد از عوامل مهمی است که در سراسر جهان نظام و حیات بشری را در معرض نابودی قرار می‌دهد و رفع و حل این معضل مسئله‌ای جهانی است. اسلام همواره انسان را به اصلاح دنیای خود و تنظیم امور حیاتش دعوت می‌کند و آن را موجب امنیت اجتماع و حفظ حیات بشری می‌داند (طباطبایی، ۱۳۸۴، ج ۸).

بیان حدود و مسائل حقوقی و قضایی:

«وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۱۷۹ آیه ۱۸۰) سوره بقره در مورد ارث «كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ» (بقره: ۱۸۰). در این آیات بر عناصر و اجزای مهم حیات بشری که مسائلی جهانی و جهانشمول هستند، اشاره شده است. مسائلی از جمله قصاص که موجب حفظ جان آدمی و استمرار حیات وی می‌شود، همچنین مسائل خانوادگی از جمله طلاق و ارث که از اجزای لاینفک زندگی آدمیان است.

قرآن کریم در آیات دیگری بر جامعیت و کامل بودن و اینکه تنها دین مقبول اسلام است، تأکید و تصریح کرده است که به برخی از این آیات اشاره می‌شود:

(الف) «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سبأ: ۲۸).

این آیه بر جهانی بودن رسالت پیامبر اکرم (ص) و نیز جهانی بودن امامت دلالت دارد. عبدالله بن بکر از امام صادق (ع) سؤال کرد: جانم به فدایت! آیا امام آنچه را بین مشرق و مغرب است، می‌بیند؟ امام صادق (ع) ضمن تأکید بر جهانی بودن امامت اهل بیت عصمت (ع) و اینکه هر امامی گواه بر خلق است و همه مردم را می‌بیند و بر همه جهانیان حجت و امام است، فرمودند: «وَاللَّهِ يَقُولُ: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ» یعنی: برای هر که روی زمین است و حجت پس از پیامبر جانشین پیامبر و راهنمای مشاجرات امت و ستاننده حقوق مردم است (حسینی بحرانی، ۱۳۹۳، ج ۳: ۳۵۲).

(ب) «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء: ۱۰۷).

پیامبر رحمت برای جهانیان: از آنجا که آیات گذشته بشارت حکومت روی زمین را به بندگان صالح می‌داد و چنین حکومتی مایه رحمت برای همه مردم جهان است و عموم مردم

دنیا اعم از مؤمن و کافر همه مرهون رحمت تو هستند، چراکه نشر آیینی را به عهده گرفتی که سبب نجات همگان است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۱۹۴).

ب) روایات: عموم مضامین قرآنی از روایات نیز قابل برداشت است که نمونه آن فرازی از نهج البلاغه است:

۱. «اما بعد فان الله سبحانه بعث محمدا صلی الله علیه و آله نذیر العالمین».
۲. عبدالله بن عباس نقل می‌کند که پیامبر (ص) فرمودند: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنِّي مُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَرْسَلَنِي بِرِسَالَتِهِ إِلَىٰ جَمِيعِ خَلْقِهِ، «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنِّي بِيْنَهُ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنِّي بِيْنَهُ وَاصْطَفَانِي عَلَىٰ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶: ۳۷۴).
۳. امام رضا (ع) در توصیف معجزه بودن قرآن و جاویدان بودن آن فرمودند: «انَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ - ... لَمْ يَجْعَلْ لَزْمَانَ دُونَ زَمَانٍ وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ؛ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ، الی یوم القیامة» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶: ۲۸۰).
- و باز فرمودند: «لم يجعل لزمان دون زمان، بل جعل دليل البرهان والحجة على كل انسان» که خداوند قرآن را برای یک زمان خاص و برای مردمی خاص حجت و برهان قرار نداده، بلکه بر همه عالمیان و همه انسان‌ها حجت است (حکیمی و دیگران، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۴۷).
۴. شیخ طبرسی در ذیل آیه شریفه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» (نور: ۵۵) آورده است که پیامبر (ص) در تفسیر این آیه شریفه فرمودند: «لَا يَبْقَىٰ عَلَى الْأَرْضِ بَيْتٌ مَدْرٍ وَلَا وَبَرٍ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ تَعَالَىٰ كَلِمَةَ الْإِسْلَامِ»، یعنی هیچ خانه آباد و هیچ چادری بر روی زمین نخواهد بود، مگر اینکه خداوند به وسیله حضرت مهدی علیه السلام اسلام را در آن وارد می‌نماید (طبرسی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۱۵۲).
۵. رسول خدا (ص) فرمود:

«خلفا و جانشینان من و حجت‌های خدا بر خلق پس از من دوازده نفرند، اول آنان برادرم و آخرشان فرزندانم. گفته شد: ای رسول خدا! برادرت کیست؟ فرمود: علی بن ابی‌طالب، سؤال شد: فرزندان کیست؟ فرمود: مهدی که زمین را از قسط و عدل پر سازد، همان‌سان که از ظلم و جور پر شده باشد. قسم به آنکه مرا به حق به‌عنوان بشارت‌دهنده و ترساننده برانگیخت، اگر از عمر دنیا یک روز باقی مانده باشد، خدا آن را چنان طولانی سازد تا فرزندانم مهدی قیام کند، سپس عیسی بن مریم پشت سرش به نماز ایستد» (گفتمان مهدویت، ۱۳۸۰: ۷۸).

۶. رسول خدا (ص) فرمود:

«در آخرالزمان مردی از فرزندان من قیام کند که اسم او همانند اسم من و کنیه‌اش مثل کنیه من است، زمین را از عدل پر سازد، چنانکه از ظلم پر شده است و او مهدی - علیه‌السلام - است» (همان: ۸۹).

۷. رسول خدا (ص) فرمود:

«اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد، خدای تعالی آن روز را چنان طولانی کند تا در آن روز مردی از من و اهل‌بیتم قیام کند که اسم او اسم من است» (همان: ۹۱).

۸. علی (ع) از پیامبر (ص) پرسید:

«آیا مهدی - علیه‌السلام - از ما آل محمد است یا غیر ماست؟ رسول خدا - صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - فرمود: بلکه از ماست. خداوند به سبب او ختم کند [کمال بخشد] چنان که به ما آغاز کرد» (همان: ۹۲).

۹. پیامبر (ص) فرمود:

«مهدی از ما (از من) است. چهره‌ای نورانی دارد، و بینی‌اش خمیده. زمین را از قسط و عدل پر سازد، چنانکه از ظلم و جور پر شده است» (همان: ۹۰).

۱۰. حضرت علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: به‌هنگام ظهور حضرت مهدی (عج) مردم به کارهای عبادی و شرعیات و دینداری و نماز جماعت‌ها روی می‌آورند و کسی باقی نمی‌ماند که به خاندان پیامبر کینه و دشمنی ورزد (صافی، ۱۳۷۷: ۴۷۴).

۱۱. در حدیثی از امام مجتبی (ع) چنین می‌خوانیم: عده‌ای از یهود نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهمند و گفتند: ای محمد تویی که گمان می‌بری فرستاده‌خدایی و همانند موسی (ع) بر تو وحی فرستاده می‌شود؟! پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهمند: آله کمی سکوت کرد، سپس فرمود: آری منم سید فرزندان آدم و به این افتخار نمی‌کنم، من خاتم پیامبران و پیشوای پرهیزکاران و فرستاده‌پروردگار جهانیانم. آنها سؤال کردند به‌سوی چه کسی؟ به‌سوی عرب یا عجم یا ما؟ خداوند آیه مورد بحث را نازل کرد، و رسالت پیامبر (ص) را به تمام جهانیان باصراحت در ضمن آن شرح داد. نخست به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهمند: «بگو: ای مردم! من فرستاده‌خدا به‌سوی همه شما هستم» (قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا). این آیه همانند آیات بسیار دیگری از قرآن مجید، دلیل روشنی بر جهانی بودن دعوت پیامبر (ص) است (مکارم شیرازی، ج ۲: ۱۰۲-۱۰۱).

این احادیث بر چند نکته مهم تأکید دارند: اولاً، اسلام دینی جهانشمول و جهانی و درصدد گسترش خود در گستره جهان است؛ ثانیاً، گسترش جهانی اسلام از طریق حکومت امام زمان (عج) که حکومتی جهانی است، صورت می‌پذیرد؛ ثالثاً، جهانی شدن اسلام بر پایه عدل و

قسط قرار دارد؛ رابعاً، حکومت جهانی امام زمان که همان حکومت جهانی اسلام است، تحقق همه ابعاد حیات آدمی (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی) را جزء اهداف اساسی خود می‌داند.

ج) سیره نبوی: نامه پیغمبر گرامی اسلام به سران قدرت‌های بزرگ آن دوران و دعوت آنها به اسلام.

د) استدلال عقلی: براساس عقل از آنجا که دین اسلام کامل‌ترین دین است و بعد از آن دینی نخواهد آمد، باید قابلیت پاسخگویی به نیازهای همه انسان‌ها را در همه زمان‌ها و مکان‌ها داشته باشد (صوفی آبادی، ۱۳۸۴: ۱۰۷).

ویژگی‌های جهانی گفتمان اسلام

اسلام به‌عنوان یک گفتمان ویژگی‌ها و مختصات خاصی دارد که با هیچ‌یک از نظام‌های موجود قابل مقایسه نیست. جهانی شدن اسلام نیز در واقع، به معنای جهانی شدن این اصول و ویژگی‌هاست که تقویت‌کننده دال‌های مرکزی اسلام است.

«برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های جهانی شدن اسلام را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. جامعیت و کامل بودن: اسلام به‌مثابه یک دین جامع و کامل، ناظر به همه ابعاد حیات بشری است و دارای عمیق‌ترین و عالی‌ترین معارف عقلی و تعالیم معنوی، عرفانی و اخلاقی و قوانین متقن و دستوره‌های عملی برای حیات فردی و اجتماعی است.

۲. ذاتی بودن جهانشمولی اسلام: یکی از ویژگی‌های دین اسلام، جهانی بودن آن است. جهانی بودن دین اسلام ویژگی ذاتی آن و هدف و نوع رسالت و ماهیت آموزه‌های این دین است. جهانی شدن اسلام اولاً، جنبه اعتقادی دارد و ثانیاً، مبتنی بر عقل و فطرت انسانی است. اسلام خود را به‌مثابه دین حق، متعلق به کل بشریت و همه انسان‌ها می‌داند و طبق وعده الهی، سرانجام بر همه فرهنگ‌ها و ادیان پیروز و جهانی خواهد شد.

۳. الهی و فطری بودن اسلام: دین اسلام چون موافق با عقل و فطرت انسان است، هر انسان طالب حق و کمال در هر جا و هر زمان که باشد، چاره‌ای جز پذیرش حقایق فطری و عقلانی اسلام ندارد، زیرا اسلام همان طریق حق و صراط مستقیم است.

۴. ارادی و درونی بودن تحول فردی و اجتماعی در اسلام: فرایند جهانی شدن اسلام براساس اراده و انتخاب آگاهانه و گرایش قلبی افراد شکل می‌گیرد و از درون به بیرون است، ولی «جهانی شدن» کنونی به‌نوعی، تغییر از بیرون به درون و به‌صورت جبری و تحمیلی است؛ یعنی انسان‌ها باید از روی آگاهی و باور درونی، تصمیم به تغییر و اصلاح بگیرند، نه با اجبار شرایط بیرونی، یا به‌وسیله تلقین و القای رسانه‌ها، وادار به تغییر سبک زندگی و نوع ارتباطات

شوند. بر این اساس، از این نظر نیز «جهانی بودن اسلام» با پدیده «جهانی شدن» کنونی، هم در اهداف و هم در روش‌ها، کاملاً از یکدیگر متمایزند.

۵. دعوت به علم و عقلانیت: یکی از مهم‌ترین زمینه‌های جهانی شدن و مقبولیت عام یک فرهنگ، عقلانی بودن آن و توانایی پاسخ گفتن به نیازهای اساسی بشر است. از جمله دیگر ویژگی‌ها و قابلیت‌های ذاتی اسلام برای جهانی شدن و بسط در بین سایر ملت‌ها و فرهنگ‌ها، اصل «عقلانی بودن آموزه‌های آن» است و جهانی شدن اسلام به معنای جهانی شدن علم و عقلانیت و معنویت و عدالت و امنیت و رشد و تعالی انسان‌ها در سراسر جهان است» (نکوی سامانی، ۱۳۸۷: ۷۰).

جهانی شدن اسلام (مدینه فاضله اسلامی)

اسلام ذاتاً دارای ماهیتی جهانی است و پیامبر اسلام نیز از همان ابتدای رسالت خویش، با دعوت سران امپراتوری‌های بزرگ آن زمان به دین اسلام در پی تحقق این وجه از اسلام بودند. در مقابل رویکرد کنونی جهانی شدن که غرب سردمدار آن است، اسلام به‌عنوان دین جامع و کاملی که داعیه توان پاسخگویی به تمام نیازها و ابعاد حیات بشری را دارد، به‌عنوان گفتمان رقیب روند کنونی جهانی شدن وعده حکومت واحدی می‌دهد که به دست شخص برگزیده خداوند پایه‌گذاری می‌شود. مبانی فکری و فلسفی تمدن و حکومت اسلامی، ره‌آورد وحی الهی، بعثت انبیا و امامت اولیاست که عقل و فطرت اصیل انسانی بر آن مهر تأیید می‌زند. جهانی شدن براساس الگوی اسلامی، هر گونه سلطه‌گرایی و استعمارگری و استثمارشدگی و بی‌عدالتی و نابرابری و تبعیض را نفی می‌کند و در حکومت جهانی اسلام هیچ ویژگی‌ای به اندازه عدالت و قسط روشنی و نما ندارد و با توجه به وعده الهی در قرآن کریم، حکومت در مدینه فاضله، از آن توده‌های محروم و مستضعف جامعه است، آنان که پیش از ظهور، بار سنگین فقر و بیچارگی و نامردمی را تحمل کرده‌اند و اکنون در راستای اجرای عدالت باید به‌حق مسلم خویش در وراثت و پیشوایی زمین دست یابند.

درحالی‌که گفتمان جهانی شدن غربی با تحمیل و اجبار الگوهای خود بر سایر فرهنگ‌ها و جوامع، درصدد سلطه بر همه جهان است. جهانی شدن اسلامی مبتنی بر گرایش‌های فطری، و منطبق با عقلانیت و ارزش‌های انسانی است و با آزادی و انتخاب آگاهانه صورت می‌گیرد و جهانی شدن اسلامی از آنجا که بارها در قرآن بر وجود تنوع قومی و قبیله‌ای تأکید کرده و انسان‌ها را برابر دانسته است و با توجه به اصولی چون اصل آزادی و حق حیات و بهره‌مندی همه انسان‌ها از مواهب طبیعی، اصل عزتمندی و شرافت و نفی سلطه دیگران و اصل حق انتخاب راه و حق رشد به نابودی زبان‌ها و نقاط مثبت و عقلانی فرهنگ‌های بومی منجر

نمی‌شود. رویکرد جهانی شدن کنونی در جهت تخریب محیط زیست، ترویج فرهنگ مصرف و نابودی فرهنگ‌های محلی و بومی است و در جهت منافع بیشتر و گسترش شرکت‌های چندملیتی و در دست گرفتن کل سرمایه‌های جهان است. در مقابل، تمدن اسلامی علم و فناوری و صنعت و اقتصاد را در خدمت بشریت قرار می‌دهد و براساس اصولی چون اعتقاد به وجود رابطه جهان هستی با مبدأ و غایت‌مندی نظام آفرینش رابطه حاکم و محکومی با جهان برقرار نمی‌کند.

مدینه فاضله اسلامی، مدینه رفاه و آسایش همگانی به دلیل توزیع عادلانه ثروت‌ها و منابع است. در شهر عدالت، که حقوق انسان‌ها محور توجه و برنامه‌ریزی است، بالطبع بذری این توجه، محصولی چون رفاه و برخورداری همگانی از مواهب الهی در پی خواهد داشت. خواست‌ها و آرزوهای مادی انسان، در جدول توجهات آرمان‌شهر اسلامی، نه تنها از یاد برده نشده، بلکه حتی در صدر توجه و عنایت قرار گرفته است. پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: در امت من، مهدی قیام کند... و در زمان او، مردم به چنان نعمت و برخورداری و رفاه دست یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند. [و این رفاه شامل تمامی انسان‌ها خواهد بود چه] نیکوکار و چه بدکار. آسمان مکرر بر آنان بیارد [کنایه از وفور مواهب طبیعی] و زمین چیزی از رویدنی‌های خود را پنهان نسازد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱: ۷۸). در حکومت جهانی اسلام، مدینه فاضله اسلامی، شهر امن و سلام است، آن هم امنیت در معنای واقعی و در تمامی ابعاد آن در این مدینه تربیت و پرورش روح انسان‌ها و توجه به اخلاق و فضایل روح آدمیان از اهداف اساسی حکومت اسلامی است. تربیت در این جامعه ابعاد گوناگون دارد، که از اساسی‌ترین برنامه‌های ظهور است. به طور کلی می‌توان گفت هدف بنیادین جهانی شدن اسلام و جهانی‌سازی مهدوی تکامل همه‌جانبه انسان‌ها و بسط معارف توحیدی و از بین بردن تمامی موانع رشد و کمال بشری و تحقق ارزش‌های والای انسانی و تأمین امنیت و عدالت و صلح و برابری و محبت و نفی تمامی مظاهر فساد و کفر و شرک و ظلم است. این آموزه‌ها جزو عناصر جوهری جهانی شدن اسلام است که زمینه مقبولیت جهانی اسلام و پویایی و تداوم این مذهب را تضمین می‌کند و طبق وعده الهی، سرانجام این تعالیم و ارزش‌ها در سراسر جهان بسط و گسترش خواهند یافت و بر ارزش‌های باطل و منحط فرهنگ‌های شیطانی پیروز خواهند شد.

راهبردهای جهانی شدن اسلام

در تبیین و بررسی راهبرد اسلام در قبال جهانی شدن چهار راهبرد وجود دارد که می‌تواند گفتمان اسلامی را به عنوان گفتمان برتر مطرح کند:

۱. راهبردهای فرهنگی

به نظر می‌رسد جهان اسلام برای مقاومت در برابر پیامدهای جهانی شدن بیش از هر چیز، باید به اصول و ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی خود تکیه کند و همان‌گونه که در طول چندین قرن گذشته این اصول و ارزش‌ها، رمز جاودانگی و پویایی تمدن اسلامی را فراهم آورده است، در شرایط حساس کنونی نیز، به منظور احیا و تقویت فرهنگ والای اسلامی، سرمایه‌گذاری بیشتری روی آنها صورت گیرد. تهاجم فرهنگی وقتی می‌تواند مؤثر واقع شود که افراد از فرهنگ خود بی‌اطلاع باشند، یا فرهنگ ملی خود را نفی کنند. اگر ملتی با فرهنگ خود آشنا نباشد، با هر فرهنگی که به او عرضه می‌شود، ارضا می‌شود. بنابراین کار اساسی آن است که هر ملتی با فرهنگ خود آشنا باشد و نسبت به آن شناخت کامل داشته باشد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۸).

پس از آشنایی، کاربردی و عملی کردن این فرهنگ، و پیاده‌سازی راهکارهای آن در جامعه هدف اصلی است. اندیشمندان مسلمان باید مؤلفه‌های مختلف فرهنگ کشور خود را شناسایی، معرفی و به‌خصوص برای نسل بعد تفهیم کنند و راهکارهای اجرایی شدن ارزش‌ها را در جامعه مشخص سازند (سعیدی، ۱۳۸۷: ۱۲۹).

امروزه مسلمانان برای حفظ هویت فرهنگی خود، راهی جز پابندی به ایمان و آموزه‌های عقلانی اسلام و بازسازی ساختارهای درونی خود و بهره‌گیری از دستاوردهای علمی و فنی برای تقویت فرهنگ و انسجام درونی خود ندارند. مسلمانان باید به این واقعیت باور داشته باشند که اسلام درس‌ها و راه‌حل‌های بسیاری برای بحران‌های فکری جهان دارد. ایدئولوژی اسلام این شایستگی و توانایی را دارد که بر روی ویرانه‌های جوامع ازهم‌پاشیده، جامعه‌ای نو، بنیاد نهاد. اسلام قادر است در قلوب پیروان خود آنچه‌ای هیجانی برپا کند که قاطعانه با موانع و مشکلات، به نیروی ایمان و اتحاد، پیکار جویند. نقش ایمان تنها به خودسازی فرد مسلمان خاتمه نمی‌یابد و از نظرگاه اجتماعی، در جهان امروز، می‌توان دیانت اسلام را در هیئت ایدئولوژی فراگیر با دو ویژگی تساهل و بلندپروازی به جهانیان معرفی کرد. ایدئولوژی اسلام قادر است نظام تازه‌ای در روابط بین ملت‌ها براساس انسان‌گرایی و معنویت ایجاد کند (بواز، ۱۳۶۱: ۱۲۵).

وظیفه مسلمانان در قبال روند جهانی شدن، اولاً، کسب شناخت و آگاهی لازم از قابلیت‌های اسلام و محتوای تعالیم اصیل و ارزش‌های اصیل فرهنگ غنی اسلام و ظرفیت‌های جهانی این دین است؛ ثانیاً، گرایش به سمت وحدت و تشکیل امت واحده اسلامی است. قرآن کریم به صراحت، مسلمانان را به وحدت فرا می‌خواند و از تفرقه‌افکنی منع می‌نماید. امروز یکی از مهم‌ترین ضعف‌های مسلمانان نداشتن وحدت در زمینه‌های فکری فرهنگی، سیاسی و

اقتصادی و نظامی است. وحدت اسلامی و خوداتکایی مسلمانان و کاهش وابستگی به قدرت‌های بیگانه در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و حمایت از حقوق ملت‌های مسلمان در صحنه‌های بین‌المللی از وظایف مهم ملت‌ها و دولت‌های اسلامی است. جهان اسلام ضمن مرزبندی هویت خود با فرهنگ و تمدن بیگانه، باید درصدد ساختن هویتی یکدست و منسجم برای پیروان این مکتب در قالب «امت» واحد باشد، زیرا یکی از عوامل مهم عزت و اقتدار مسلمانان توجه به همین اصل راهبردی است. استعمارگران با تقسیم کشورهای اسلامی به دولت‌های کوچک، پاره‌پاره کردن مرزهای جغرافیایی جوامع اسلامی و ایجاد انواع مرزبندی‌های سیاسی و فرهنگی، امت اسلامی را دچار تشتت و تفرقه‌های داخلی نکرده‌اند (کاظمی، ۱۳۸۰: ۱۲۳).

خطیرترین وظیفه مسلمانان در قبال روند جهانی شدن، مقابله با مفروضات و مبانی فرهنگ غرب است، نه نفی دستاوردهای علمی غرب. هر روز که می‌گذرد، مظاهر فرهنگ غرب در برابر فرهنگ اسلامی، که مبتنی بر تکامل معنوی و تعالی روحی است، نفوذ خود را از دست می‌دهد. اگرچه غرب با پیشرفت‌های صنعتی و پژوهش‌های علمی خود، همچنان جاذبه خود را در بین همه ملت‌ها دارد، با این همه، این جاذبه از دل‌بستگی مسلمانان به معنویت اسلام و ایمان به خدا، نکاسته و امت اسلامی را به تقویت بنیان‌های تمدن اسلامی و الهام از تجربه‌های تاریخی صدر اسلام دلگرم ساخته است. مسلمانان این واقعیت را پذیرفته‌اند که در شرایط جهان امروز، اسلام در صورتی می‌تواند نقش راستین خود را ایفا کند که ملت‌های مسلمان به موازات ایمان مذهبی و ارزش‌های اخلاقی، به ابزارهای صنعتی و علمی مجهز باشند. رسالت اندیشمندان مسلمان در شرایط کنونی، یافتن راه‌حلی برای بحران‌های فکری و معنوی جهان حاضر و کوشش در جهت تسخیر روح معنویت و فکر تمدن غرب است و از این نظر، توجه به بنیادها و مبانی فلسفی و سیاسی و اقتصادی تمدن غرب و بحران‌های اجتماعی و فرهنگی و دینی عمیق عصر حاضر، که به بروز و ظهور مکاتب الحادی و لادری‌گری و صدها مکتب پوچ و سرگرم‌کننده و خلأهای فکری و اعتقادی در غرب منجر شده، حائز اهمیت است. بدین روی، اندیشمندان اسلامی باید بکوشند برای نیازهای عقلانی، فطری، معنوی بشر امروز پاسخ اقناع‌کننده ارائه کنند و این خود، امتیازی بزرگ برای اسلام و اندیشمندان اسلامی در جهان امروز است (پهلوان، ۱۳۸۰: ۴۶۶).

۲. راهبرد سیاسی

اتخاذ سیاست قوی همکاری بین مسلمانان و تنظیم سیاست‌های مشترک، منافع منطقه‌ای و جهانی مسلمانان را تضمین می‌کند. اگر دولت‌ها به مشروعیت برای حکومت کردن نیاز دارند،

تلاش‌های جدی باید برای تجدید سنت‌های سیاسی‌شان و دموکراتیزه کردن فرایند سیاسی برای اجازة مشارکت عمومی صورت گیرد. قدرت در اسلام برای ایجاد یک سلسله نیست، بلکه امانتی است که باید توسط رهبری صادق، مسئول، معنوی و بااخلاق به اجرا درآید. وحدت و برادری اصول اساسی اسلام هستند. هدف سازمان کنفرانس اسلامی تلاش برای گسترش وحدت و تفاهم بین دولت‌های عضو است، اما مسلمانان امروز بیش از هر زمان قبل دچار تفرقه‌اند (جعفر پور، ۱۳۸۴: ۹۵).

کشورهای اسلامی باید با استفاده از ظرفیت سازمان کنفرانس اسلامی، استقلال و همگرایی خود را به تناسب شرایط جدید تقویت و تحکیم کنند و جبهه واحدی در برابر تهاجم‌های غرب ایجاد کنند. مسلمانان جهان باید هویت واحد فرهنگی و سیاسی و اجتماعی خود را در سطح جهان عینیت بخشند و امت واحد اسلامی را به معنای واقعی آن تشکیل دهند. بنابراین، از لحاظ جهانی، مسلمانان به یک نظام منسجم و قوی فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ارتباطی برای مقابله با فشارهای بین‌المللی نیاز دارند. وجود چنین نهادی به امت اسلامی این امکان را می‌دهد که بتواند به صورت مستقل و فعال در عرصه‌های سیاسی بین‌المللی و بازارهای جهانی تأثیرگذار باشد. بنابراین، مسلمانان چاره‌ای ندارند جز اینکه با تلاش دسته‌جمعی و تشکیل یک نهاد بین‌المللی همه‌جانبه، از فرهنگ و هویت و منافع خود دفاع کنند (نکوئی سامانی، ۱۳۸۷: ۷۹).

۳. راهبرد اقتصادی

ارائه برنامه‌های کلان اقتصادی در اسلام، بر پایه‌های استوار، روشن، مدرن، مترقی، عالی و پیشرفته بنا شده که در فقه اسلامی کتب متأخر، نذورات، زکات، خمس، انفال و بیشتر ابواب متفرقه دیگر از شیوه‌ها، آداب و اعمال آن بحث و کنکاش می‌نماید و با تقسیم آن به سه بخش خصوصی، عمومی و اموال دولتی به هر کدام احترام خاص خودش را گذاشته و بر آن جعل معیارهای دینی می‌کند (آغارضوی، ۱۳۹۰: ۲۴۵).

هدف نهایی توسعه در اسلام، دستیابی به سعادت از طریق تعادل نیازهای مادی و روحی بشر است. باید با همکاری چند کشور مقدماتی برای تشویق به تولید منطقه‌ای با پشتوانه قوی تحقیقی، آموزشی و سرمایه‌گذاری برای تجارب کشاورزان کوچک فراهم شود. اقتصاد بر پایه علم جدید، فن‌های جدید را برای بهبود میزان تولید و رقابت ابداع کرده است. دولت‌ها باید محیط اقتصادی سالمی را بر پایه سیاست‌های اقتصادی کلان مناسب برای تسهیل آزادی بازار و ایجاد انگیزه فراهم آورند. مؤسسات مالی مثل بازارهای پول، بازارهای سهام و بازارهای سرمایه برای ارتقای توسعه در جوامع اسلامی ضروری هستند. همچنین تأکید بر عوامل بومی و محیطی در توسعه برای تداوم رشد ضروری است. همکاری اقتصادی باید به منظور افزایش عامل تحرک در

راه‌اندازی اتحادیه‌های گمرکی، توافقات دوجانبه و چندجانبه، مناطق آزاد تجاری و گروه‌های منطقه‌ای صورت گیرد. نظریه مزیت نسبی براساس تجارت منطقه‌ای در محدوده جهان اسلام نسبت به تجارت با بقیه جهان، به مسلمانان بهتر کمک می‌کند. مسلمانان برای افزایش قدرت معامله جمعی و تأثیرگذاریشان بر اقتصاد جهانی، باید قادر به رعایت استانداردهای بین‌المللی و کسب مزیت نسبی باشند (جعفرپور، ۱۳۸۴: ۹۶).

مسلمانان باید تدابیری بیندیشند که از نظر اقتصادی، به الگویی از توسعه بومی و اسلامی دست یابند و از تابعیت و تأثیرپذیری سلطه اقتصادی غرب رها شوند؛ توسعه‌ای که هم از نظر مبانی نظری و هم از نظر اهداف و روش‌ها مبتنی بر آموزه‌های اسلامی باشد. مسلمانان باید با ایجاد شرکت‌های چندملیتی و سرمایه‌گذاری مشترک در زمینه‌های اقتصادی، علمی تحقیقاتی، زمینه‌های تحکیم و انسجام روابط مسلمانان و کاهش وابستگی آنها به غرب را فراهم کرده، زمینه‌های رشد و عزت آنها را تقویت کنند. از نظر اقتصادی، مسلمانان باید راهبردهای سیاسی و اقتصادی جهانی را در پیش گیرند و با امضای توافق‌نامه‌های مشترک، یک نهاد یکپارچه اقتصادی و مالی بین‌المللی راه‌اندازی کنند. بسیاری از کشورهای اسلامی به‌اشتباه بر این باورند که منافعشان از طریق ارتقای روابط با غرب، به‌دلیل تولیدات، فناوری، آموزش، بازار و امنیت غربی بهتر تأمین می‌شود، درحالی‌که همواره حکومت‌های غربی فرهنگ اصیل اسلامی را چالشی بزرگ بر سر راه خود می‌بینند و از این‌رو، نقشه‌های شومی برای بی‌ثباتی سیاسی کشورهای اسلامی و ایجاد جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای طراحی می‌کنند و به اجرا می‌گذارند تا چنین نهادهای انسجام‌بخشی شکل نگیرند (نکوئی سامانی، ۱۳۸۷: ۷۹).

۴. راهبرد علمی و فناورانه

مسلمانان در اوج تمدنشان، در همه رشته‌های علمی مثل علوم، هنر، معماری، ستاره‌شناسی، ریاضیات و پزشکی سرآمد بودند. اما اکنون مسلمانان به‌دلیل طرد علوم انسانی و علوم تجربی دیگر سرآمد نیستند، به‌سبب حفظ هویت اسلامی‌شان خواستار آموزش مذهبی و محافظه‌کارانه شده‌اند.

مفهوم علم و مشتقاتش ۸۸۰ بار در قرآن آمده است که این تکرار کسب دانش را برای هر مسلمانی واجب می‌سازد. پیامبر (ص) با فرمایش اینکه «کسب دانش وظیفه هر زن و مرد مسلمانی است»، ارزش دانش را بازشناسانده و همچنین مسلمانان را به سفر کردن برای یادگیری دانش دیگران، حتی به چین و استفاده از آن برای پیشرفت مسلمانان سفارش کرده است. در حال حاضر کشورهای اسلامی، با وجود چالش‌های اقتصادی جهانی، اعتبارات بسیار کمی را برای اصلاح ظرفیت‌های فکری جوامعشان تخصیص می‌دهند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸۰).

نهادهای آموزشی و تربیتی به قدر کافی به تأمین نیازهای مسلمانان برای پیشرفت فناوری و علمی مجهز نیستند. در بین مسلمانان نسبت به گروه‌های دیگر در جهان بی‌سوادان بیشتری وجود دارند. جای بسی تأسف است که می‌بینیم، بسیاری از متخصصان مسلمان به سبب نبود انگیزه مناسب، حقوق ناکافی، تسهیلات تحقیقی ناکافی، کمبود فرصت‌ها و پیامدهای سیاسی در خدمت غیرمسلمانان هستند.

این مسئله این امکان را به مسلمانان می‌دهد که وارد عمل شوند و توسط این فناوری‌های ارتباطی، برنامه‌هایی را که با الگوهای اجتماعی و فرهنگی جوامع مسلمان سازگار است، پخش کنند. در شرایط کنونی، شرکت‌های چندملیتی با به‌کارگیری رسانه‌های جمعی گوناگون و شبکه‌های متمرکز انباشت اطلاعات و تسلط بر شاهراه‌های ارتباطی همچون اینترنت و ماهواره و دیگر رسانه‌های پیشرفته، برنامه‌های فرهنگی و اهداف تبلیغی خود را به پیش می‌برند و تهاجمی گسترده به فرهنگ اسلامی آغاز کرده‌اند. افزایش استیلای فرهنگی و آموزشی غرب بر کشورهای در حال توسعه و به‌ویژه کشورهای اسلامی، خطری جدی فراروی مسلمانان است. از این‌رو، مسلمانان باید به‌نحو مطلوب از فناوری اطلاعاتی، حداکثر استفاده را ببرند. استفاده از فناوری‌های ارتباطی به‌صورت سازمان‌یافته و منسجم، در جهت حفظ ارزش‌ها و اعتقادات مذهبی و تبلیغ دین و حفظ هویت دینی و تقویت ارتباطات درونی گروه‌های فرهنگی اسلامی در سرتاسر جهان و تأثیرگذاری بر فرهنگ جهانی از جمله اقدامات بایسته و مهم است (مطهری، ۱۳۶۲، ۱۵۲-۱۴۵).

نتیجه

از مجموع مطالب گفته‌شده می‌توان نتیجه گرفت که جهانی شدن از دیدگاه اسلام دیدگاهی پروسه‌ای است و آن را از پیش تعیین‌شده نمی‌داند، بلکه طی فرایندی این جهان مورد قبول شکل خواهد گرفت که براساس ادله قرآنی و روایات به‌صورت قطعی قابل اثبات است. اسلام فی‌الذاته یک نظام جامع و جهانشمول است و با رجوع به آموزه‌های آن شمار بسیار زیادی از مفاهیم دینی مانند جهانشمولی و جاودانگی معارف اسلامی، خاتمیت رسالت پیامبر اسلام (ص) و بشارت‌های عصر ظهور مانند عدل جهانی، حکومت جهانی، صلح و امنیت و ... تنها در بستر جهانی شدن، کوچک‌تر شدن و به‌هم‌پیوستگی فضای جهان، قابل فهم است. جهانی شدن اسلام با فرهنگ مهدویت و ظهور حضرت مهدی مرتبط است که سرانجام آن تحقق جهان آرمانی اسلامی به رهبری و زعامت حضرت مهدی (عج) است. چنین حرکتی به سمت یگانگی و همزیستی انسان، تقارب و همزیستی فرهنگ‌ها، امری حتمی و گریزناپذیر است.

جهانی شدن حقیقی اسلام با ارائه طرح جامع خود و حل مشکلات بشری می‌تواند اندک‌اندک به گفتمان برتر تبدیل شود. جهانی شدن اسلامی می‌تواند با استفاده هرچه بیشتر از عرصه نزاع گفتمانی و پیشرفت در زمینه‌های فناورانه و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، و به‌عبارت دیگر، استفاده از جنبه سخت‌افزاری جهانی شدن، محتوای غنی و ذاتی خود را در مرحله اول، طرحی برای مسلمانان قرار دهد تا بر محور آن به انسجام برسند و از طریق راهبردهای خاص خود در مرحله بعدی الگویی برای جهانیان ارائه شود تا وجدان‌های بیدار به آن بپیوندند و گسترش و نفوذ این مکتب الهی را باعث شوند. در این زمینه، وظیفه و تکلیف دشواری بر عهده نخبگان حاکم و روشنفکران کشورهای اسلامی است که زمینه‌ساز این مسئله حیاتی باشند.

منابع و مآخذ

الف) فارسی

۱. قرآن مجید.
۲. نهج البلاغه.
۳. آغارضوی، سید محمد (۱۳۹۰). «اسلام و چالش‌های جهانی شدن»، ماهنامه سفیر، ش ۱۷.
۴. ادیب، مصطفی (۱۳۹۰). «ظرفیت‌های راهبردی اسلام و پدیده جهانی شدن»، فصلنامه مطالعات استراتژیک، ش ۴۳ بهار.
۵. افروغ، عماد (۱۳۸۰). چالش‌های کنونی ایران، تهران، پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۶. البرو، مارتین (۱۳۸۱). عصر جهانی، جامعه‌شناسی پدیده جهانی شدن، ترجمه نادر سالار زاده احمدی، تهران: نشر آزاداندیشان.
۷. بوازر، مارسل (۱۳۶۱). اسلام در جهان امروز، ترجمه د. م. ی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. پهلوان، چنگیز (۱۳۸۰). فرهنگ‌شناسی، گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن، تهران: نشر پیام افروز.
۹. جعفرپور، رشید (۱۳۸۴). «تنوع فرهنگی جهان اسلام و چالش‌های موجود در عصر جهانی شدن»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ش ۱۹-۱۶.
۱۰. حسینی زفره‌ای اصفهانی، محمدباقر (۱۳۸۴). آشنایی با امام عصر (عج) و حکومت جهانی آن حضرت، قم: انتشارات گل‌های بهشت.
۱۱. حسینی بحرانی، هاشم (۱۳۹۳). گزیده‌ای از کتاب سیمای حضرت مهدی در قرآن، تهران: نشر آفاق.
۱۲. حکیمی، محمدرضا و دیگران (۱۳۶۸). الحیاه، قم: دلیل ما.
۱۳. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۱). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، رشت: نشر کتاب مبین، ج دوم.
۱۴. سعیدی، رحمان (۱۳۸۷). «جهانی شدن و مهندسی فرهنگی»، مجله مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۳۷.
۱۵. صافی، شیخ لطف‌الله (۱۳۷۷). منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، نشرقم: مؤسسه السیده المعصومه.
۱۶. صوفی‌آبادی، محمود، (۱۳۸۴). «جهانی شدن و پیامدهای فرهنگی آن»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ش ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، قم: نشر دفتر انتشارات اسلامی.
۱۸. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۹۰). مجمع‌البیان، ترجمه محمد بیستونی، مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به نشر.
۱۹. کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۸۰). جهانی شدن، فرهنگ و سیاست، تهران: نشر قدس.
۲۰. گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۱). جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی، ج ۱.

۲۱. گفتمان مهدویت (۱۳۸۰). سخنرانی‌های گفتمان اول و دوم، جمعی از سخنرانان، مؤسسه فرهنگ و انتظار.
۲۲. لوگرن، فیلیپ (۱۳۸۲). **جهان باز: واقعیت جهانی شدن**، ترجمه فریدون دولشاهی، تهران: اطلاعات.
۲۳. العلوانی، طه جابر (۱۳۸۰). «تکثرگرایی؛ از اصول تا بازنگری»، ترجمه مسعود زنجانی، فصلنامه راهبرد، ش ۲۱، ص ۲۱.
۲۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار، بیروت: داراحیا التراث العربی.
۲۵. _____ (۱۳۷۵). فرهنگ علوم سیاسی، مرکز مطالعات و مدارک علمی ایران، تهران: بهار.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۶۲). خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران: انتشارات اسلامی.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷). تفسیر نمونه، تهران: نشر دار الکتب الاسلامیه، چ سی و ششم.
۲۸. _____ (۱۳۸۹). **پیام قرآن: روش تازه‌ای در تفسیر موضوعی قرآن**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ هفتم.
۲۹. مدرسی، محمدتقی (۱۳۷۷). **تفسیر هدایت**، ترجمه احمد آرام، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۳۰. موریس، بوکای (۱۳۶۴). **مقایسه میان تورات انجیل قرآن و علم**، ترجمه ذبیح‌الله دبیر، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۱. موسوی، سید محمد؛ موسوی، سید محمدرضا؛ اسماعیلی، علی (۱۳۹۱). «جهانی شدن و کشورهای جهان اسلام بسترهای هم‌گرایی‌ها و زمینه‌های واگرایی‌ها»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ش ۲.
۳۲. نکوئی سامانی، مهدی (۱۳۸۷). «اسلام و جهانی شدن تعامل یا تقابل؟»، مجله معرفت، تهران، ش ۱۳۳.
۳۳. واترز، مالکوم (۱۳۷۷). **جهانی شدن**، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی، تهران: نشر نی.
۳۴. هروی- لژه، دانیل (۱۳۸۱). «انتقال و شکل‌گیری هویت اجتماعی- دینی در مدرنیته»، ترجمه محمود نجاتی حسینی، نامه پژوهش، ش ۲۰ و ۲۱.

ب) خارجی

35. Mazrui Alamin (2002). **Globalization and the muslim world: Sub-Saharan Africa in a Comparative Contxt**, The Ohio State University
36. Jan.Mirza (2009). **Globalization of media: kay issue and dimensions**, Department of Mass Communication, Gomal University
37. Yusuf. Rizwana (2006). **European Journal of Scientific Research**, concepts and religion: institute of hazrat mohammad (saw).